



بحث جوان و اخلاق، بحث ارزنده و مفیدی است. بویژه برای نسل امروز و کسانی که نسل آینده این نظام را شکل می‌دهند.

فصل نخست بحث ما این است که هر کس، بویژه جوان در این دنیا پناهگاهی می‌خواهد که در بُن‌بست‌ها و گرفتاری‌ها بدان راه جوید، چرا که اگر کسی در این دنیا پناهگاه نداشته باشد زیر چرخ زندگی و مشکلات آن پایمال می‌شود. اگر می‌بینید که دنیای امروز غرب به تباہی کشیده شده است و با کمال صراحت اظهار پوچی می‌کند بدین دلیل است که در مشکل‌ها پناهگاه ندارد. و هنگامی که اراده، علم و قدرتش دیگر نمی‌تواند کار کند، به بُن‌بست دچار می‌شود.

اسلام برای راهی از این بُن‌بست فکر کرده و بسیار تذکر داده است که يك انسان اگر مسلمان واقعی باشد هیچ گاه به بن‌بست نخواهد رسید. اگر کسی به چنین مشکلی دچار شد در همان بن‌بست اول فطرت خفته او بیدار می‌شود.

از نظر اسلام، قرآن و دانشمندان علم اخلاق نخستین پناهگاه برای انسان، قرآن است. قرآن می‌فرماید: من پناهگاهم. روایات نیز بر پناهگاه بودن قرآن تصریح دارند. قرآن به هنگام بن‌بست‌ها فریادرس است و با جلوه‌های شگفت‌آمیز، گره‌های کور را باز می‌کند.

بنابراین، جوان باید از قرآن قدرت بگیرد، همان سان که علم می‌گیرد. از قرآن تقویت اراده بگیرد، آن چنان که می‌تواند، دانش را فرا بگیرد. از قرآن نشاط بگیرد، چنانچه می‌تواند همه اینها را بگیرد. قرآن می‌فرماید: «فد جاءکم من اللہ نورٌ و کتابٌ مبین یتدیی به اللہ من اتبع رضوانه سئل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور باذنه و یتدییهم الی صراطٍ مستقیم»<sup>1</sup>

نور برای شما آمده است؛ یعنی قرآن. پروردگار به واسطه این قرآن هر کس را که به قرآن متمسک بشود، هدایت می‌کند. قرآن می‌فرماید هنگامی که خداوند از کسی راضی باشد، راه‌های سلامتی را به او نشان می‌دهد؛ یعنی در بُن‌بست‌ها، در گرفتاری‌ها اگر از قرآن مدد جوید، گره مشکلات را می‌گشاید و به فریاد انسان‌ها می‌رسد. علاوه بر این، قرآن انسان را از ظلمت‌ها به سمت نور مطلق می‌کشاند؛ از ظلمت غم و غصه، هوی و هوس، نفس اماره، صفات رذیله، دلهره، اضطراب خاطر و نگرانی و بالاخره از هر چیزی که موجب کدورت دل و

ظلمت دل است. قرآن می‌فرماید من تو را به سمت نور مطلق رهنمون می‌سازم و این ظلمت را از نور می‌زدایم، اما مهمتر از همه اینها می‌فرماید تو را به مطلوب و مقصود می‌رسانم. ای انسان، تو گمشده‌ای داری و آن خداست و من می‌توانم تو را به گمشده خود برسانم: «و یتدییهم الی صراطٍ مستقیم» آیات زیادی مانند این آیه در قرآن هست که این هدف را بیان می‌کنند.

از نظر سنی و شیعه، پیامبر روایتی دارد که می‌فرمود: «بر شما باد به قرآن.» ثقة الاسلام کلینی - رضوان الله تعالی علیه - در کافی نقل می‌کند که پیغمبر اسلام فرمود: «إذا التبست علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن.» وقتی که گرفتار شدی و تاریکی‌ها به تو رو آوردند نظیر تاریکی در دل شب؛ یعنی در وقت گرفتاری، در وقت بن‌بست که دیگر نوری نداری، دیگر پناهی نداری، در آن وقت به قرآن پناه ببر و از قرآن کمک بگیر؛ «فاته شافعٌ مشفق»، این قرآن شفاعت می‌کند؛ یعنی کارساز است و شفاعت او پذیرفته می‌شود. این گونه نیست که فقط بگویند کمک کارم، یا فقط دعا کند و دعایش به جایی نرسد، نه، به تو کمک می‌کند و کمک او مؤثر است؛ گره‌های کور را باز می‌کند؛ گرفتاری را رفع می‌کند و تاریکی را به نور مبدل می‌کند، اما این را هم بدان که «ماجلٌ مصدق»<sup>2</sup> نفرین می‌کند و نفرین او هم پذیرفته می‌شود؛ یعنی آن ملتی که با قرآن انس ندارد، قرآن آنها را نفرین می‌کند و نفرین او هم پذیرفته می‌شود. پیغمبر می‌فرمود: «و من جعله امامه ساقه الی الجنة.» کسی که قرآن سرمشق او باشد و به قرآن تمسک جوید، بهشتش از همان جا شروع می‌شود تا به بهشت موعود برسد. قرآن نه تنها تو را به بهشت موعود می‌رساند، بلکه دنیای تو را نیز بهشت مانند می‌کند. نشاط، سلامتی، خوشی، رفع گرفتاری بهشت‌های کوچکی هستند که تو را به بهشت موعود می‌رساند. اما در مقابل تهدید نیز کرده است، رسول خدا می‌فرماید: «و من جعله خلفه ساقه الی النار.» اگر کسی قرآن را به طاق نسیان بسپارد، جهتشم از همان جا شروع می‌شود. قرآن نفرین می‌کند که گره در پی گره، گرفتاری در پی گرفتاری بی‌نشاطی در پی بی‌نشاطی، پوچی در پی پوچی برایش پیدا می‌شود و جهنمش از آن جا شروع می‌شود تا به جهنم موعود برسد.

حارث بن اعور می‌گوید: پس از مرگ پیامبر به مسجد رسول‌خدا(ص) وارد شدم، دیدم که مردم دسته دسته نشسته‌اند و به حرف دنیا مشغول‌اند. این حادثه برایم تازگی داشت چرا که در زمان پیغمبر مسجد يك مجمع علمی - تربیتی و جایگاه راز و نیاز با خدا بود. اما اینک به جای آن دعا، قرآن، علم و تربیت جایگاه حرف‌های دنیایی شده است. از این رو خیلی ناراحت شدم. آمد خدمت حضرت امیر - سلام الله علیه - با ناراحتی زیاد گفتم: به مسجد رسول‌خدا(ص) رفتم، دیدم مردم در مسجد نشسته‌اند و از دنیا حرف می‌زنند. حضرت ناراحت شده، فرمودند: از رسول‌خدا(ص) شنیدم که فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: «یا محمد سیکون فی امتک فتنه؛ یا محمد به زودی در امت تو فتنه برپا می‌شود.»

قلت: «فما المخرج منها؛ راه نجات از این فتنه چیست؟»

\* اگر می‌بینید که دنیای امروز غرب به تباہی کشیده شده است و با کمال صراحت اظهار پوچی می‌کند بدین دلیل است که در مشکل‌ها پناهگاه ندارد.

فقال: کتاب الله فیہ بیان ما قبلکم من خیر و خیر ما بعدکم و حکم بینکم و هو الفصل لیس بالهزل، من و لاه من جبار فعلم بغیره قصمه الله؛<sup>3</sup> فرمود راه نجات، قرآن است که در آن خیر از گذشته و آینده و حکم زمان حال شما در آن وجود دارد و او فصل الخطاب است و سخن از سر شوخی نیست، آن ستمگری که ولایت قرآن را رها کند و به غیر آن عمل نماید، خداوند او را هلاک می‌کند.»

این جمله آیا نفرین است یا خبر است؟ هر کدام باشد بسیار تکان‌دهنده است. اگر خبر باشد، اثر وضعی فرموده پیامبر آن است که ملتی که با قرآن سر و کار نداشته باشد، این ملت، نگون بخت خواهد شد. اگر انشاء باشد معنایش این است که خدا کمر آن کس را بشکند که با قرآن سر و کار ندارد. نظیر این روایات زیاد است. مرحوم کلینی - رضوان الله تعالی علیه - در کافی روایتی نقل می‌کند که می‌فرماید: «البيت الذي یقرأ فیہ القرآن و یدکر الله عزوجل فیہ تکرر برکنه و تحضره الملائكة و تهجره

الشياطين و بضيئ لاهل السماء كما تضيئ الكواكب لاهل الارض؛ در آن خانه که قرآن خوانده شود برکت زیاد مي‌شود و در آن ملائکه رفت و آمد مي‌کنند، از آن خانه شياطين رخت برمي‌بندند و اين خانه براي ملائکه درخشندگي دارد؛ نظير درخشندگي ستارگان براي اهل زمين.»

«والبيت الذي لا يقرأ فيه القرآن ولا يذكر الله عزوجل فيه تقل برکت و تهجره الملائكة و تحضره الشياطين؛ 4 خانه‌اي که در آن قرآن خوانده نشود و در آن خانه از خداوند ياد نشود، برکت ندارد. ملائکه نيز با اين خانه سر و کار ندارند، بلکه شياطين در اين خانه رفت و آمد دارند.» و اگر ما براي \* جوان بايد از قرآن قدرت بگيرد، همان سان که علم مي‌گيرد. از قرآن تقويت اراده بگيرد، آن چنان که مي‌تواند، دانش را فرا بگيرد. از قرآن نشاط بگيرد، چنانچه مي‌تواند همه اينها را بگيرد.

بچثمان چيزي نداشتيم جز روايت ثقلين، بس بود اين که همه مخصوصا جوان‌هاي عزيزم بدانند قرآن چه پشتوانه‌اي است.

روايت معروفی به نام روايت «ثقلين» هست که آن را سني و شيعة نقل کرده‌اند، حتي بزرگاني؛ نظير صاحب عيقات و صاحب الغدير با بيش از پانصد سند آن را نقل کرده‌اند. شايد روايتي بدین‌گونه با بيش از پانصد سند نداشته باشيم و پيغمبر اسلام اين روايت را در مواقع خاص و استثنايي مي‌خواندند؛ مثلاً به هنگام مرگ، همان وقت که پيغمبر اکرم از دنيا رفتند و يك وضع استثنايي هم پيش آمد، پيغمبر اکرم فرمودند مرا ببريد مسجد، حضرت نمي‌توانستند راه بروند، اميرالمؤمنين و عباس زير بازويشان را گرفته بودند به گونه‌اي که پاهاي مبارك حضرت روي زمين کشيده مي‌شد، حضرت را تا محراب رساندند، پيغمبر اکرم نماز را نشسته خواندند و نمازگزاران ايستاده؛ چون پيامبر نتوانستند منبر بروند، بر پله اول نشستند و فرمودند: اين نماز مختص به من بود. معنای اين عبارت چيست؟ يعني من براي يك وضع استثنايي به مسجد آمده‌ام نمي‌شود امام جماعت نشسته باشد و نمازگزاران ايستاده بدو اقتدا کنند، عكسش مي‌شود، اما امام جماعت نشسته و نمازگزاران ايستاده باشند، نمي‌شود. اين عمل مختص به من بود. پس پيامبر احساسات خلایق را برانگيزاند و فرمودند: من چگونه پيغمبري براي شما بودم؟ گره همه مردم بلند شد، گفتند: يا رسول الله، خيلي عالي بودي؛ جاهل بوديم، آگاه شديم؛ وحشي بوديم، متمدن شديم؛ گمراه بوديم، هدايت شديم. پيامبر در ادامه سخنانش فرمودند: حق الناس مشکل است، من نمي‌توانم روز قيامت جواب «حق الناس» را بدهم، اگر کسي چيزي، حقي بر من دارد، بيايد الان بگويد. عربي گفت، يا رسول الله، يك روز که بر شتر سوار بوديد، با چوب‌دستي ناآگاهانه به سينه من زديد، اينک مي‌خواهم قصاص کنم. فرمودند بيا و قصاص کن، با آن که حق قصاص نداشت، ولي حضرت براي آن که آزردگي او را بزدايد فرستادند آن چوب دستي يا عصا را آوردند. گفت: يا رسول الله، بدن من برهنه بود، پيغمبر هم دکمه پيراهنش را باز کرد. مرد جلو آمد و سينه پيغمبر را بوسيد و گفت مي‌خواستم سينه شما را بوسم. در اين هنگام ذهن و دل مردم آماده شد. رسول خدا حديث ثقلين را خواندند: «اني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي لن يفرقا حتى يردا علي الحوض ما ان تمسكتم بهما فلن تصلوا ابدا.» فرمودند مردم من مي‌روم و دو امانت به جاي مي‌گذارم، شرافت شما، عزت شما به اين پشتوانه‌هاست؛ يعني در وقت گرفتاري‌ها، بي‌اراده‌گي‌ها، هجوم دشمن و به هنگام بيچارگي‌ها اين دو پشتوانه را داشته باشيد، اين دو پشتوانه چيست؟ يكي قرآن و ديگري عترت، بعد هم فرمودند اين دو، دوش به دوش يکديگر تا روز قيامت به من مي‌رسند. معنای اين عبارت اين است که هميشه و در هر زمان، قرآن و امام حاضر در کنار همانند و اين دو پشتوانه، لب حوض كوثر به پيغمبر مي‌رسند. پيامبر ادامه داد اگر کسي به اين دو پشتوانه تمسك کند به ضلالت و گمراهي در هيچ امري دچار نمي‌شود. چه در امر دين، چه در امر زندگي، چه در تهذيب نفس و... اين ضلالت فقط ضلالت در دين نيست.

تمسك به قرآن مراتبي دارد که جوانان بايد از همه مراتبش استفاده کنند. من به عنوان يك روحاني و سرباز امام زمان به جوان‌ها مي‌گويم که اگر به همه مراتب و بُدَهاي تمسك به قرآن عمل كنيد، يك زندگي صد در صد با نشاط داريد. اين سخن را تجربه کن، اگر به تجربه دريافتي آنچه مي‌گويم، ادامه بده اگر نه، رها کن. اين گفته، قول خداوندگار است، و هيچ تخلفي در آن راه ندارد. وعده پيغمبر است و تخلف ناپذير است. وعده ائمه طاهرين - عليهم السلام - و وعده خود قرآن است که تخلف ندارد.

قرآنت قرآن

مرتبۀ اول، خواندن قرآن است بايد قرآن را تلاوت کرد، چه معنائش را بدانيم، چه ندانيم، چه تدبّر بکنيم، يا نکنيم. حتي عمل بکنيم يا نکنيم. نفس خواندن قرآن مقصود است.

خواندن قرآن در همه هنگام پسندیده است، حتي طبق بعضي روايات تلاوت قرآن در خانه‌ها باعث آمد و شد فرشتگان مي‌شود، اما تلاوت قرآن در يك مجمع علمي، بويژه در ماه مبارك رمضان از اهميت خاصي برخوردار است.

آياتي در قرآن كريم وجود دارد که اين آيات منحصر به فرد است؛ يعني بعضي از آيه‌ها مثلش در قرآن نيست. مثلاً راجع به خودسازي، سوره «والشمس» همانندش در قرآن نيست. سوره والشمس به طور مستقيم به خود سازي و تهذيب نفس سفارش مي‌کند. سوره‌اي که يازده مرتبه در آن قسم خورده شده باشد و براي مطلبي سه چهار بار تأکيد شده باشد، در قرآن منحصر به سوره والشمس است؛ يا مثلاً دعا و راز و نياز با خدا در سوره بقره: «و اذا سألک عبادي عني فآني قريب.» 5 با هفده تأکيد و با هفت هشت ضمير متکلم، آيه‌اي منحصر به فرد در قرآن است؛ يعني يك آيه سر تا پا لطيف و مهرباني، تأکيد در تأکيد براي دعا و راز و نياز با خدا از جمله آياتي که منحصر به فرد است و نظيرش را در قرآن نداريم، راجع به خواندن قرآن است. در سوره مزمل مي‌فرمايد: «فأقرؤا ما تيسر من القرآن علم ان سيکون منکم مرضي و آخرون يضيرون في الارض يبتغون من فضل الله و آخرون يقاتلون في سبيل الله فأقرؤا ما تيسر منه.» 6 مي‌فرمايد تا مي‌تواني قرآن بخوان، نشسته، در بين راه، به هنگام خواب. همان‌گونه که سفارش شده، به هنگام خروج از خانه يازده مرتبه «قل هو الله» بخوان، هنگام خواب سه مرتبه «قل هو الله» بخوان، «آية الكرسي» بخوان و از اين دستورها فراوان داده شده است. اين دستورهايي که در روايات آمده است از همين جا گرفته شده: «فأقرؤا ما تيسر من القرآن؛ تا مي‌تواني قرآن بخوان.» حالا از روي قرآن يا از حفظ، نشسته يا خوابيده، در راه يا مؤدب در مقابل قرآن نشستن.» آن گاه چند تأکيد را پشت سر هم ذکر مي‌کند مي‌فرمايد خدا مي‌داند که تو گاهي مريض هستي، اما در همان حال مرض هم به اندازه توانايي قرآن بخوان. تا زبان مي‌چرخد، قرآن بخوان تا هنگامی که حيات داري. لذا مستحب هم هست سوره «يس» را براي محضر بخواند او هم بخواند تا جان دهد. بسياري از بزرگان در وسط سوره يس در آن جمله «سلاماً قولاً من ربّ رحيم» 7 از دنيا رفته‌اند. آن گاه مي‌فرمايد گاهي خيلي کار داري؛ مثلاً امتحان کنکور داري، موقع امتحان‌هاست گرفتاري داري، چک برگشتي داري و گرفتاريت خيلي زياد است، مي‌گويد همان وقت هم تمسك به قرآن را فراموش نکن، تا مي‌شود قرآن بخوان و اگر مي‌خواهي در امتحان‌هايت موفق شوي، قرآن بخوان. مي‌دانم گاهي در خط مقدم جبهه هستي، همان وقتي که در معرض جنگ قرار داري، همان وقتي که تير مثل باران مي‌بارد: «فأقرؤا ما تيسر منه.» تا مي‌تواني قرآن بخوان. ننگ است براي شيعة‌اي که ائمه طاهرين‌اش در مثل ماه مبارك رمضان چندين ختم قرآن انجام مي‌دادند، او يك ختم قرآن نخواند، بلکه در هر ماه يك ختم قرآن نخواند. اگر کسي در خواندن قرآن روان باشد، يك جزء قرآن را با نيم ساعت مي‌شود خواند؛ ربع ساعت صبح، ربع ساعت شب، در يك ماه مي‌شود يك ختم قرآن. بعضي‌ها حاضرند چندين ساعت پاي اين فيلم‌هاي نيك‌بار بنشينند، اما نوبت به قرآن که مي‌رسد خسته است، کار دارد. حاضر است چندين ساعت در جلسات بيهوده‌اي که موجب قساوت قلب و فشار قبر است بنشينند، اما وقت خواندن قرآن خسته است، کار دارد. جوان‌ها مواظب باشيد مشمول نفرين قرآن نشويد، اگر قرآن به شما نفرين بکند، معلوم است که مستجاب است «و ما حلّ مصدق.» و اميدوارم ان شاءالله برسد به يك جايي که جوان‌هاي ما همه و همه حافظ قرآن باشند. آيراني‌ها از نظر استعداد از حجازي‌ها خيلي بالاترند، اما در زمان پيغمبر اکرم بيش از 90 درصد آنها حافظ قرآن بودند، در حالي که سواد مکتب خانه‌اي هم نداشتند. زنان و مردان سواد نداشتند، اما حافظ قرآن بودند. يك ولعي داشتند وقتي سوره‌اي يا آيه‌اي مي‌آمد،

بر گرد پیامبر حلقه می‌زدند تا سوره را حفظ کنند. من بعضی از جوانان را دیده‌ام که انسان را شگفت زده می‌کنند و البته این لطف قرآن و عنایت امام زمان است، به اندازه‌ای عالی آیه را می‌دانند؛ در چه سوره‌ای، آیه چندم، می‌تواند از اول به آخر بخواند، می‌تواند از آخر به اول بخواند \* خواندن قرآن در همه هنگام پسندیده است، حتی طبق بعضی روایات تلاوت قرآن در خانه‌ها باعث آمد و شد فرشتگان می‌شود، اما تلاوت قرآن در يك مجمع علمي، به ویژه در ماه مبارك رمضان از اهمیت خاصی برخوردار است.

همان طور که می‌تواند از وسط شروع کند. حالا این اندازه دقت شاید خیلی لازم نباشد، اما حیف نیست که دختری لیسانس داشته باشد، اما نتواند قرآن بخواند. قرآن به این دختر نفرین می‌کند. آقا دکتر است، اما نمی‌تواند قرآن بخواند، آقا دبیر است، بلد نیست قرآن بخواند، آقا طلبه درس خارج خوان است، خوب نمی‌تواند قرآن بخواند، معلوم است که این مضمون نفرین قرآن می‌شود. بیایید تصمیم بگیریم که همه ما قرآن خوان شویم. حداقل صبحی، شبی يك مقدار قرآن بخوانیم. حال اگر هم نصف جزء نمی‌خوانیم يك حزب بخوانیم دو صفحه بخوانیم، يك سوره یس به هنگام صبح بخوانیم. هر کس سوره «یس» را صبح هنگام بخواند، خدا و قرآن از او تا شب محافظت می‌کنند، هر که سوره «واقعه» را شب هنگام بخواند، روزی او وسیع می‌شود. يك زندگی با نشاط پیدا می‌کند. خدا را به آن کسی که سر بریده‌اش هم قرآن خواند، سوگند می‌دهم که همه ما را عاشق قرآن کند. والسلام

ادامه دارد

پاورقیها:

6 ( مزمل (73) آیه 20.

4 ( کافي، ج2، ص610.

2 ( کافي، ج2، ص599.

1 ( مائده (5) آیه 15.

3 ( تفسير عیاشي، ج1، ص3.

5 ( بقره (2) آیه 186.

مطاهري، حسين